



۲۰۱۸/۰۴/۲۰

دوکتور محمد اکبر یوسفی

زن و موقف اجتماعی آن در مسیر تاریخ تمدن بشر!

موجودیت انسان و ادامه نسل آن، بدون تردید، موجود همان جوهره "جنسی" یا "زوجین" بیولوژیکی است، که از بدو خلقت، در طبیعت، و در اشتراک زندگی، نخست با تشکیل واحد اجتماعی "فامیل" و بهمین ترتیب اساس "اجتماع" انسانی و تمدن آنرا ساخته است. زن و موقف نا برابر او در مقابل مرد، متأسفانه پس از تفوق و تسلط نظام های "پدر سالاری" خاصاً در طی قرون، در مراحل مختلف "حاکمیت های سیاسی"، بمثابة یکی از مسایل داغ اجتماع انسانی، و بعنوان مسائل جدی روز شمرده شده است.

سلسله مبارزات پیگیر و دشوار "جنبش های کارگری و سوسیال دیموکراسی" در راه تثبیت موقف و حقوق زن در جامعه "مودرن" فعلی، که به عنعنۀ تاریخی، روز معین "همبستگی بین المللی زنان"، "هشتم مارچ"، مبدل گردیده است، از جمله دستاورد های بزرگ در راه مبارزۀ بشریت در راه تحقق "حقوق مساوی زن و مرد"، بطور مشخص، "مزد مساوی" در برابر "کار مساوی" بطور نمونه، ادامه دارد.



"زن و سوسیالیسم" اثر معروفی است، که از یکی از سیاستمداران آلمانی، بنام "فردیناند آوگست بیبل" (Ferdinand August Bebel) (متولد ۲۲ فبروری ۱۸۴۰م در "دویخ" (Deutz) واقع در مجاورت "کُلن" (Köln) آلمان و وفات بتاریخ ۱۳ "اگست ۱۹۱۳م، یکسال قبل از آغاز "جنگ اول جهانی" در "پاسوگ سویس" (Passugg, Schweiz))، بمیراث مانده است. ("عکس آوگست بیبل در سال ۱۸۹۸م).

این اثر با اهمیت، که در توضیح و تحلیل موقف زن، در تاریخ روشنی انداخته است، در مراحل مختلف "وابستگی" هائی را هم توضیح داشته است، که بعنوان "عوامل" تحت "ستم" قرار گرفتن "زن" در اجتماع انسانی شمرده شده است. در همان روز های اول "جنبش کارگری"، مؤلف کتاب، برای "زن"

و "کارگر" وجوه مشترکی را می شناساند، و بیان می دارد: عبارت از آنست که هر دو به موقف "تحت ستم" محکوم



گردیده اند. اما بار ستم را بر دوش زن دوچند، دانسته است، که هم کارگر است و هم مادر. زن بار مسئولیت بزرگی را در زندگی اجتماعی متحمل می شود. بدون تردید، این اثر در آن زمان نقش مهمی را در راه مفکوره انتخاب روز اختصاصی برای همبستگی بین المللی با زنان نیز ایفاء نموده است.

در جمله "وابستگی های" مختلف، "وابستگی اقتصادی" را خیلی سنگین و تعیین کننده در جمله تمام عوامل دیگر در سرنوشت و موقف "زن" در اجتماع دانسته است. البته این عامل در مجموع برای تمام "اجتماع" بعنوان یک "دولت" و یا "ملت" نیز از اهمیت حیاتی برخوردار می باشد. مؤلف در ارزیابی تاریخی، همچنان تذکر می دهد که جوامع مختلف در کشورها و قلمرو

های مختلف، دستخوش تحولاتی گردیده است، اما پدیده "ستم" بر زنان، در تحت نفوذ "فرهنگ" ها و "مذاهب" مختلف و رژیم سیاسی متفاوت، بحال خود باقی مانده است.

اینرا هم می دانیم که مؤلف کتاب، یکی از "بنیانگذاران" معروف، جنبش سازمان یافته سوسیال دیموکراتیک کارگری در آلمان، شمرده شده است. "آوگست بیبل" که ریشه افکار سیاسی مقدماتی او از اساسات "لیبرال - دیموکراتیک"، در موجودیت مفکوره های "اتحادیوی کارگری و اهل کسبه" گزارش یافته است، یکی از شخصیت های معروف پارلمانی، زمان "قیصر" آلمان نیز محسوب گردیده، موقف او را در آن زمان، در بین جناح "چپ" و "روزیونست" جنبش سوسیال "دیموکراسی" یاد نموده، بعبارت دیگر بعنوان "مرکز مارکسیستی حزب سوسیال دیموکرات آلمان" نیز معروف بوده است. ("ویکیپدیا")

وقتی "هشت مارچ" بزبان آورده می شود، فوراً اسمای معروف فراموش ناشدنی در ذهن انسان های "آگاه" خطور می کند.



این نام ها، عبارت اند از: پیش قدمان این عنعنه، یعنی نام های معروف روز های اول، چون "کلارا ستکین" (Clara Zetkin) در سمت "چپ" و "روزا لوگزمبورگ" (Rosa Luxemburg) در سمت راست عکس، پهلوی "کلارا" در سال ۱۹۱۰م، دیده می شود. "سوسیالیست آلمانی"، خانم "کلارا ستکین" در دومین کنفرانس بین المللی زنان سوسیالیست" بتاریخ ۲۷ اگست ۱۹۱۰م در "کوپنهاگن" (Kopenhagen)، روز "بین المللی زن" را پیشنهاد نموده است، بدون اینکه از روزمعین، تذکر بعمل آید. بر اساس همین منبع منشاء این مفکوره را، از "امریکا" دانسته اند. در منبع می خوانیم که در سال ۱۹۰۸م، "زنان" در "حزب سوسیالیست

امریکا" یک "کمیته ملی" را ایجاد و در آن فیصله نموده بودند، تا یک روز "معین مبارزه بین المللی" برای "حق رأی زنان" تعیین گردد.

اولین روز زنان در فبروی ۱۹۰۹م، در "ایالات متحده آمریکا" یک "پیروزی کامل" محسوب گردیده است. این موفقیت را بدین دلیل کامل دانسته اند، که زنان مبارز برای حقوق زنان، از حلقه‌ها و محافل "بورژوازی" یا قشر های متوسط و فوقانی "شهری" نیز، با زنان "سوسیالیست"، یکجا برای حق "رای" زنان، در مظاهره اشتراک نموده اند. در فبروی ۱۹۱۰م هم چنین خبر مظاهره زنان شمال آمریکا منتشر گردیده است.

بسیار از فعالیت‌ها، از تجلیل اولین "روز زنان"، ۱۹ "مارچ" ۱۹۱۱م در "دنمارک"، "آلمان"، "اتریش - هنگری" و "سوئیس"، یاد شده است. بر اساس همین منبع، انگیزه انتخاب این روز را با روز قبل، یعنی ۱۸ مارچ بعنوان یاد و بود قربانیان "انقلاب مارچ ۱۸۴۸م" یاد نموده، از جانب دیگر نویسنده تذکر می‌دهد، که "کمون پاریس" نیز در سال ۱۸۷۱م، در ماه مارچ آغاز خود را می‌شناسد. بناءً دیده می‌شود، که آغاز مرحله، برخلاف "جنبش فمینیست ها" روحیه و منشاء "انقلابی" و تمرکز فکری "چپ"، "سوسیالیستی" و "سوسیال دیموکراتیک" داشته است.

تبصره‌ها نشان می‌دهد، در سالهای بعدی، در "جنبش های چپ"، بعضی ها گاهی متمایل بوده اند، تا بجای این روز، روزهای دیگری در ماه می، پیشنهاد نمایند. اما در یکی از منابع گفته شده است، که در "دومین کنفرانس بین المللی زنان کمونیست" در سال ۱۹۲۱م، در "مسکو"، بر اساس پیشنهاد هیأت "بلغاریه"، هشتم مارچ بحیث روز یاد و بود تعیین گردیده است.

د جریان سالهای "جنگ سرد" از شهرت این روز، بعزت اینکه از آن بعنوان روز عنعنوی "سوسیالیستی" و "کمونیستی"



"مهر" خورده بود، کاسته شده گزارش یافته است. در "پوستر" سمت چپ، همین ۸ مارچ را در سال ۱۹۱۴م، آغاز جنگ اول جهانی نیز نشان می‌دهد که بر آن خواست "حق انتخاب برای زنان" باخط سرخ دیده می‌شود.

بعضی ها انگیزه انتخاب این روز ۸ مارچ ۱۹۵۷م را، با اعتصاب ناگهانی، "زنان کارگر" در بخش صنایع "نساجی" در "نیویارک" (York New) ارتباط می‌دهند. بعدا جنگ اول جهانی در سال ۱۹۱۸م، برای تطبیق "حق رای" زنان، در جمهوری "وایمر" روز بین المللی زن دوباره تجلیل یافته است. از سال ۱۹۳۳م تا سال ۱۹۴۵م، این

"جنبش سوسیالیستی" در آلمان، رسماً ممنوع بوده است. بعوض آن، "روز مادر" جای می‌گیرد، که با اندیشه‌ها و خواسته‌های "زنان ناسیونال سوسیالیست" مطابقت می‌نموده است. بعد از جنگ دوم جهانی، با این روز برخورد متفاوت دیده شده است

این جنبش "دیموکراتیک زنان"، که حال عنعنه است، موازی با خود، محافل و حلقه‌های دیگری را هم می‌شناسد که تحت نام طرفدار "زن" فعال اند، البته با اندیشه‌های "متفاوت" و موقف‌های سیاسی و طرز دید متفاوت نسبت به حقوق و آزادی زن، فعالیت دارند، در تحت نام "جنس زن"، عمدتاً از نگاه تفاوت "بیولوژیکی" همبستگی نشان داده، در مسیر مبارزه آنان، البته موضوعات تفاوت‌های "فرهنگی" و "مذهبی" نیز مطرح می‌گردد.

گاهی هم از چنین سازمان‌ها، بعنوان حلقه‌ها "طرفداری زنان" ("فیمینیزم" «Feminism») نیز یاد می‌کنند. با تفاوت از آنها، در جنبش "دیموکراتیک زنان"، که به جنبش روزهای اول نیز منسوب است، در جریان حرکات سیاسی - اجتماعی، که بعنوان آغاز مراحل "مودرنیزم" نیز یاد می‌کنند، "حقوق مساوی زن و مرد" و مبارزه مشترک در برابر نابرابری‌ها، عقبنامی‌ها و بی‌عدالتی‌های اجتماعی، مطرح بوده، این عنعنه را عاری از تزلزل ادامه می‌دهند.

در دهه های اخیر، که امسال بیش از صد سال را پشت سر می گذارد، درست در سال آغاز "جنگ اول جهانی"، که تحوات "بنیادی" در سیستم های سیاسی جهان رخ می داده است، این روز بر حسب نشرات دست داشته، عنوان روز مبارزه برای "حقوق زن" یاد گردیده است.

ختم "جنگ اول جهانی" که در نتیجه شکست جرمنی و متحدان آن، رژیم "پادشاهی" در آلمان سقوط یافت و "جمهوری وایمر" بنیادگذاری گردید، امپراتوری "ترک های عثمانی" از هم پاشید، مصطفی کمال "اتا ترک" بقدرت رسید، از همه قوی تر، رژیم "تزاری" در "روسیه" سقوط داده شد و در نتیجه، انقلاب اکتوبر ۱۹۱۷ به پیروزی رسید. تغییرات بنیادی دیگر هم در سراسر جهان، بخصوص در اروپا و شمال امریکا رخ داد. فقط یکسال پس از ختم جنگ اول جهانی، استقلال کامل سیاسی افغانستان از قید نفوذ "بریتانیه"، بدست آمد، که در جریان "ریفرم" های بعدی، در کشور ما هم، توجه جدی به بهبود موقف "زن" در اجتماع مبذول گردید. (عکس سمت چپ، "کلارا ستکین" را در سال ۱۹۲۰م بحیث عضو "پارلمان" در جمهوری "وایمر")

پس از جنگ اول جهانی، مشابه با روز همبستگی بین المللی کارگران جهان تجلیل می گردد، افتخار "ابتکار" آن و تجلیل همه ساله آن، از جنبش، یقین داریم که همه با تفاوت "جسمی" و "طب" از همان آغاز مبارزات پیگیر در راه "حقوق مساوی برای زن و مرد" یعنی "بین زن و مرد، بخوبی واقف هستیم، اما آنچه در طول تاریخ بشر، مبارزه بر سر قدرت و "ایجاد" حاکمیت ها، در مراحل مختلف "بی عدالتی ها" و "نا برابری" را در جامعه انسانی بوجود آورده است، نمی شود در یک نوشته بررسی نمود.

وقتی از موقف "زن" در اجتماع نام می بریم، باید در قدم اول، از خود پرسیم، که چه نوع اجتماع هدف ماست. چه مناسبات سیاسی - اقتصادی و فرهنگی مسلط است. تا چه حد و تحت کدام شرایط و امکانات می توان در مناسبات اجتماعی، در مجموع در قدم اول در راه "تساوی حقوق زن و مرد" و سعادت و خوشبختی فامیل ها، مطابق فرهنگ خود آنها، قدم برداشته شود.

قبل از همه، باید گفت که فقط در کشور هائیکه در آن، امکانات و "چانس" مساوی تعلیم و آموزش برای "دختر" و "پسر" مسلط است و سازمان های آگاه دولتی، از تعلیم و تربیت سالم و "آزاد" اطفال و نوجوانان، مواظبت می نمایند، استعداد ها و علایق اطفال را اعم از پسر و دختر، کشف و در راه رشد پر ثمر آنها کمک می نمایند در آنگونه جوامع، "آزادی زن" و موقف اجتماعی او در برابری با مرد، از پیشرفت های قابل ملاحظه گواهی می دهد. آنچه بعنوان روز همبستگی بین المللی زنان یاد می گردد، افتخار ابتکار آن، با نام های زنان ترقیخواه و تحول طلب، یعنی نام های فراموش ناشدنی، یعنی زن های اولین روز های جنبش "چپ" و "سوسیال دیموکراسی" جوش خورده است.

در سال ۲۰۱۰م، "الیس شوارسر" (Alice Schwarzer)، که یکی از "مهره های" "فیمینیست" آلمان، محسوب می گردد، متمایل بوده است که این روز "لغو" گردد. بعد ازینکه، درین و اخر موضوع "حساب بانکی مخفی" او در "سوئیس" افشاء گردید، که سالها طولانی، مالیات را از مدارک عایداتی ازین مدرک نپرداخته است، تا حدی "رسوائی" علیه او برملا گردیده است، که ممکن دیگر آن نفوذ سیاسی اجتماعی را نخواهد داشت، تا بههدف مطروحه نائل گردد.

